

آینه‌ی عاشورا (۱)

حجت الله بیات

راهکاری مؤثر برای مبارزه علیه ظلم و ستم از آن بهره گرفت. این حقیقت تا آنجا پیش می‌رود که مهاتما گاندی، مصلح مبارز هندی، نیز به مقتدای آزادیخواه ما اقتدا می‌کند و می‌گوید: «من چیز تازه‌ای برای مردم هند

نیاورده‌ام. آنچه انجام دادم، محصولی است از مطالعات و تحقیقات که درباره‌ی تاریخ زندگی قهرمان کربلا انجام دادم. اگر ما بخواهیم هند را از چنگال استعمار نجات دهیم، لازم است همان راهی را بپیماییم که حسین بن علی پیمود.»^(۲)

آینه‌دار کربلا

«قال الصادق علیه السلام: إن الله ولايتنا اهل البيت قطب القرآن و قطب جميع الكتب. عليها يستدير محكم القرآن»^(۳)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند ولایت ما اهل بیت را محور قرآن و همه‌ی کتابها قرار داده است و آیات محکم قرآن بر محور ولایت ما می‌چرخد.»

پیوند ناگسستنی عترت و قرآن را

قال علی علیه السلام: «و هذا القرآن انما هو خط مسطور بين الدفتين لا ينطق بلسان و لا يد له من ترجمان»^(۱)؛ و این قرآن، همانا خطی است نوشته شده بین دو جلد و با زبان سخن نمی‌گوید و به ناچار باید ترجمانی داشته باشد.»

مقاله‌ای که پیش رو دارید، بر آن است که پیوند عمیق «قرآن صامت» و «قرآن ناطق» را در «آینه‌ی عاشورا» بنگرد و در حد توان تجسم آیات این کتاب آسمانی را در «کربلا» به تصویر بکشد.

در میان حوادثی که در طول تاریخ بشر رخ داده است، هیچ کدام به برجستگی و پویایی «حرکت بنیانی» عاشورا نیست؛ نهضتی که در منطقه‌ای محدود، زمانی کوتاه و کاروانی کوچک به وقوع پیوست، اما توانست الگویی عملی برای آزادمردان و عدالت خواهان جهان ارائه کند. و پیروزمندانه بر تارک تاریخ جاودان بماند. به حق باید این واقعه را به دید معجزه نگریست و به عنوان

از آیات بسیاری (روشن
می‌شود که دلیل نزول
قرآن کریم هدایت
انسان به سوی زندگی
جاوید است. قرآن کریم
نفسست همه‌ی مردم را
هدایت و به فداپرستی
دعوت می‌کند.

قرآن را اجابت می‌کنند.

﴿ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ هُدٰى
لِّلْمُتَّقِيْنَ...﴾^(۵)؛ این است کتابی که در
(حقانیت) آن تردیدی نیست (و) مایه‌ی
هدایت تقوا پیشگان است.

امام حسین علیه السلام نقل می‌کند: نزد پیامبر
خدا صلی الله علیه و آله بودم، ابی بن کعب نیز آنجا بود
پیامبر خدا به من فرمود: آفرین به تو ای
اباعبدالله، ای زینت آسمانها و زمینها!
ابی ابن کعب پرسید: ای رسول خدا
چگونه کسی غیر از تو زینت آسمانها و
زمینها است؟

پیامبر فرمود: ای ابی! قسم به کسی که
مرا به حق به پیامبری برگزید! همانا
حسین بن علی (مقامش) در آسمان
بزرگتر از زمین است. در سمت راست

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله بارها در گوش
زمان ندا داده بودند، تا هیچ کس این
حقیقت را به فراموشی نسپارد. قرآن،
این کلام جاویدان الهی را ترجمانی باید
تا مشعل در دست مشعلداران واقعی
بماند و تشنگان آب حیات در پرتو
هدایتگری آن دو به سرچشمه‌ی
خورشید بار یابند و با تمسک به ریسمان
آسمانی قرآن و عترت از امواج سهمناک
این دریای طوفانی سوار بر کشتی نجات
آل الرسول صلی الله علیه و آله به ساحل سعادت برسند
اینک آنچه حسین علیه السلام، این قران ناطق را
با قرآن صامت پیوند می‌زند، می‌نگریم.

الف - هدایت:

از آیات بسیاری روشن می‌شود که دلیل
نزول قرآن کریم هدایت انسان به سوی
زندگی جاوید است. قرآن کریم نخست
همه‌ی مردم را هدایت و به خداپرستی
دعوت می‌کند.

﴿شهر رمضان الذی انزل فیهِ القرآن
هدی للناس﴾^(۴)؛ ماه رمضان (همان
ماه) است که در آن، قرآن فرو فرستاده
شده (کتابی) که مردم را راهبر است.
البته در عمل همه‌ی مردم هدایت
نمی‌شوند و تنها گروهی اندک دعوت

عرش الهی نوشته‌اند (حسین) چراغ هدایت و کشتی نجات است^(۶).

قافله سالار کربلا از همان آغاز حرکت خود تنها به هدایت مردم می‌اندیشید و تلاش می‌کرد در هر موقعیت، با هر وسیله‌ای آنان را از گمراهی نجات دهد؛ اما با این همه جز گروهی اندک هدایت آن حضرت را نپذیرفتند و تنها پرهیزکاران و نیکوکاران دعوت قرآن ناطق، حسین علیه السلام را لبیک گفتند.

«هذا بصائر للناس و هدی و رحمة لقوم یوقنون»^(۷)؛ این (کتاب) برای مردم، بینش بخش و برای قومی که یقین دارند، رهنمود و رحمتی است.

ب - جاودانگی:

قرآن کریم جاودان کتابی برای همه است، لذا خداوند به رسول خاتم صلوات الله علیه این گونه امر کرد:

«قل الله شهیداً بیني و بینک و اوحی الی هذا القران لاندركم به و من بلغ»^(۸)؛ بگو خدا میان من و شما گواه است و این قرآن به من وحی شده است تا به وسیله‌ی آن شما و هر کس را (که این پیام به او) برسد هشدار دهم.

امام صادق علیه السلام نیز همین حقیقت را این

چنین بیان می‌کند:

«القرآن تأویل یجری کما تجری اللیل والنهار و کما تجری الشمس والقمر»^(۹)؛

برای قرآن تأویلی است که چون شب و روز و خورشید و ماه در جریان است.

آنچه در طول چهارده قرن بر حادثه‌ی باشکوه عاشورا گذشته است، حکایت از این حقیقت می‌کند که عاشوراییان نیز

چون آیات قرآن و قافله سالار این کاروان به عنوان قرآن ناطق به زمان و مکان

خاصی محدود نمی‌شوند و چون شب و روز و خورشید و ماه در همه‌ی زمانها

و مکانها جاری هستند. وقتی به دورترین نقاط گیتی نظر کنیم، خاطره کربلا را

چون آیه، آیه‌ی قرآن زینت بخش جان آزاد مردان جهان می‌بینم و این حقیقت

را رسول معظم اسلام صلوات الله علیه چنین بیان کرد:

«ان لقتل الحسین حرارة فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً»^(۱۰)؛ همانا برای

شهادت حسین علیه السلام حرارتی در دل‌های مؤمنان است که تا ابد به سردی

نمی‌گراید.»

ج - الگو دهی:

قرآن کریم در کنار طرح مسائل نظری و

بیان اندیشه‌های ناب الهی، الگوی عملی نیز معرفی می‌کند تا دیگر خداجویان، به یاری نمونه‌هایی که معرفی می‌شود، به سر منزل مقصود برسند.

﴿لقد كان لكم فيهم اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر﴾؛^(۱۱) قطعاً برای شما در (پیروی از) آنان سرمشقی نیکوست (یعنی) برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می‌بندد.

﴿قد كانت لكم اسوة حسنة في ابراهيم والذين معه﴾^(۱۲)؛ قطعاً برای شما در (پیروی از) ابراهیم و کسانی که با او هستند، سرمشقی نیکوست.

همین شیوه را ما به روشنی در سیره‌ی سالار شهیدان حسین بن علی علیه السلام نیز می‌بینیم.

امام علیه السلام در لحظات آغازین نهضت خود تلاش می‌کند الگویی بسازد و حتی در سخنان نورانی خویش این اصل را به نمایش می‌گذارد. او در مقابل پیشنهاد بیعت، به ولیدبن عتبه رو می‌کند و بعد از معرفی خود می‌فرماید: «مثلی لایبایع لمثله»^(۱۳)؛ اگر با دقت به این واژه‌ها بنگریم، الگودهی امام حسین علیه السلام کاری روشن است؛ زیرا امام سخن از فرد به

میان نمی‌آورد؛ بلکه نحوه‌ی برخورد و تفکر را پیش می‌کشد و فرهنگ حسینی را قابل بیعت با فرهنگ یزیدی نمی‌داند؛ حال این روحیات حسینی در هر کجا، هر زمان و هر کس که باشد، بیعتشان با فرهنگ یزید غیرممکن است. پس الگوی آزاد مردان در مقابل پیشنهاد مروان برای بیعت نیز از اصل الگوسازی استفاده کرد و فرمود: «و علی الاسلام السلام اذ قد بليت الامة براع مثل یزید»^(۱۴)؛ هنگامی امت پیامبر به رهبری چون یزید گرفتار شود، باید با اسلام وداع کرد.

آری یزید یک فرد است و آنچه مهم به نظر می‌رسد، تفکر یزیدی است که

امام علیه السلام در لحظات آغازین نهضت خود تلاش می‌کند الگویی بسازد و حتی در سخنان نورانی خویش این اصل را به نمایش می‌گذارد. او در مقابل پیشنهاد بیعت، به ولیدبن عتبه رو می‌کند و بعد از معرفی خود می‌فرماید: «مثلی لایبایع لمثله»

ممکن است در هر زمان، مکان و انسانی بروز کند.

امام حسین علیه السلام در یکی از منازل بین راه، در مسیر کربلا به نام «بیضه» نیز حرکت خود را به شیوه‌ای «الگوی عملی» معرفی کرد و فرمود:

«فانا حسین بن علی وابن فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله نفسی مع انفسکم و اهلی مع اهلکم فلکم فی اسوة ^(۱۵)؛ من حسین فرزند علی و فاطمه دختر رسول خدا هستم خودم با شما و اهل بیتم با خاندان شما است و کار من برای شما الگوست.»

با این وصف، کیست که ادعا کند کربلا و عاشورا با او پیوند نخورده است و برای او

عاشورا بسان آینه‌ای است که آیات قرآن به روشنی در آن منعکس می‌شود و امام حسین علیه السلام و یاران وفادارش تجسم عینی آن دسته از آیاتند که سیمای حق جویان، عدالت فوahan و فداپوران را به تصویر می‌کشد.

الگوی ندارد؟ زن یا مرد، کوچک یا بزرگ، پیر یا شیرخوار، مطیع یا عصیانگر، غنی یا فقیر و خلاصه صاحب هر عقیده و تفکر؛ با کربلا و عاشورا گره می‌خورد و این حادثه دانشگاهی است به وسعت همه‌ی زمانها، مکانها و انسانها، برای تمام این گروهها معلم دارد و الگو ارائه می‌کند.

آینه‌دار آیات

عاشورا بسان آینه‌ای است که آیات قرآن به روشنی در آن منعکس می‌شود و امام حسین علیه السلام و یاران وفادارش تجسم عینی آن دسته از آیاتند که سیمای حق جویان، عدالت خواهان و فداپوران را به تصویر می‌کشد.

۱- اصلاح:

«ان اريد الاصلاح ماستطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت والیه انیب» ^(۱۶)؛ «من قصدی جز اصلاح (جامعه) تا آنجا که بتوانم، ندارم و توفیق من جز به (یاری) خدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم.

بر اساس آنچه از آیات قرآن کریم به دست می‌آید، پیامبران الهی با هدف اصلاح در میان مردم وارد شده‌اند. آنان با

در میان حوادثی که در طول تاریخ بشر رخ داده است، هیچ کدام به برجستگی و پویایی «مرکت بنیانی» عاشورا نیست

قرآن بر همه مسلمانان واجب است، لذا امام حسین علیه السلام در مسدینه و در جوار قبر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به پایین ترین درجه‌ی امر به معروف و نهی از منکر عمل کرد و فرمود: «اللهم انسی احب المعروف وانکر المنکر»^(۱۹).

همچنین زمانی که در مقابل مروان بن حکم قرار گرفت، به بالاترین درجه‌ی آن که همانا براندازی ریشه‌ی فساد و حکومت ظالمانه و فسادانگیز یزید است، اشاره کرد و فرمود:

«وعلی الاسلام السلام اذ قد بلیت الامه براع مثل یزید لقد سمعت جدی رسول الله یقول: الخلافة محرمة علی آل ابی سفیان»^(۲۰)؛ و هنگامی که اُمت به پیشوایی چون یزید دچار شود، باید با اسلام وداع کرد؛ از جدم رسول خدا شنیدم که می‌گفت: حکومت بر آل ابی سفیان مردم است.»

آن حضرت برای تحقق بخشیدن به بالاترین مرحله‌ی امر به معروف و نهی از

عنایت به انحراف‌های فکری و اخلاقی جوامع بشری همواره تلاش می‌کردند اصلاحگر باشند.

امام حسین علیه السلام نیز در لحظات آغازین نهضت خود در بخشی از وصیت نامه‌ی خود به برادرش محمد حنفیه هدفش را اصلاح جامعه بیان می‌کند و می‌فرماید: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی»^(۱۷)؛ همانا من برای اصلاحگری در امت جدم از مدینه خارج شدم.

۲- امر به معروف و نهی از منکر:

«یومنون بالله والیوم الآخر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین»^(۱۸)؛ به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند. و در کارهای نیک شتاب می‌کنند و آنان از شایستگانند.»

در جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر فریضه‌ای حیاتی است و از دیدگاه

منکر در کربلا حاضر شد و با همه‌ی اصحابش به این آیه‌ی قرآنی، به بهترین صورت، جامه‌ی عمل پوشاند.

۳- اوج عزت:

«ولله العزة و لرسوله و للمؤمنين ولكن المنافقين لا يعلمون؛ عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است، لیکن منافقان نمی‌دانند». پیامبران الهی و مؤمنان راستین همواره بر قلعه‌ی عزت و مردانگی ایستاده‌اند، قرآن کریم مسلمانان را از تن دادن به ذلت و خواری برحذر می‌دارد و تنها سرچشمه‌ی شکوه و عظمت را خدای سبحان می‌داند. امام حسین علیه السلام نیز در مواردی گوناگون عزت واقعی را برای آزاد مردان و کمال جوینان تبیین کرد، از جمله در «ذو حسم» یکی از منازل بین راه کربلا، فرمود:

«لیس شأنی شأن من یخاف الموت ما اهون الموت علی سبیل نیل العز و احياء الحق لیس الموت فی سبیل العز الا حیاة خالدة و لیست الحیاة مع الذل الا الموت الذی لا حیاة معه... لکنکم لاتقدرون علی هدم مجدی و محو عزتی و شرفی فاذا لا ابالی بالقتل ^(۲۱)؛ حال من مانند کسانی که از مرگ می‌ترسند، نیست چه مردن

در راهی که به عزت و زنده شدن حق منتهی می‌شود، آسان است مرگ در راه عزت چیزی جز زندگی جاودان و زندگی ذلیلانه چیزی جز مرگ بی‌روح نیست... اما شما برای درهم کوبیدن عظمت و نابودی عزت و شرفم توان ندارید، پس هیچ اعتنایی به مرگ نمی‌کنم.»

۴- حفظ حرمت:

«و اذ جعلنا البیت ماثبة للناس و امانا» ^(۲۲)؛ و چون خانه (کعبه) را برای مردم محل اجتماع و (جای) امنی قرار دادیم.»

کعبه حرم امن الهی است و در هیچ شرایطی نباید حرمتش شکسته شود. در آن هنگام که عده‌ای همچون فرزند زبیر مکه را سنگری برای رسیدن به مطامع دنیوی خود کرده بودند، امام حسین علیه السلام سپری شد تا از حرمت حرم پاسداری کند و حاضر نشد با ریختن خورش در آنجا حدود الهی نادیده گرفته شود؛ از این جهت بود که به فرزند زبیر فرمود: «والله لئن اقتل خارجاً منها بشبر احب الی من ان اقتل داخلأ منها بشبر ^(۲۳)؛ به خدا سوگند! اگر یک وجب بیرون از مکه کشته شوم، برایم محبوبتر است از این

که یک وجب داخل آن کشته شوم». رفتی به پاس حرمت کعبه به کربلا شد کعبه حقیقی دل کربلای تو اجر هزار عمره و حج در طواف تو است ای مرده و صفا به فدای صفای تو

۵- جهاد:

﴿وجاهدوا فی الله حق جهاده﴾ (۲۴)؛ جهاد در راه خدا یکی از مقدس ترین اعمال در فرهنگ دینی ما مسلمانان است. در آیات بسیاری خداوند از ما خواسته است تا با مال و جان در راهش جهاد کنیم. در کربلا آیات جهاد به تمام معنا تبلور یافت و امام حسین (علیه السلام) با تمام وجود حق جهاد را ادا کرد. آن حضرت از تمام وجود خود در راه خدا گذشت، حتی خاندانش را نیز در این مبارزه‌ی الهی سهیم کرد و در برابر ام سلمه چنین فرمود:

«یا ماه وانا اعلم انی مقتول مذبوح ظلماً و عدواناً و قد شاء عزوجل ان یری حرمی و رهطی مشردین و اطفالی مذبوحین مأسورین مقیدین و هم یستغیثون فلا یجدون ناصرًا» (۲۵)؛ ای مادر! من می‌دانم که مذبوح و کشته‌ی ستم و دشمنی‌ام و خدای بلندمرتبه می‌خواهد حرم و

خاندانم را آواره و کودکانم را کشته، اسیر و دربند ببیند با این که فریادرسی می‌طلبند، یاوری نمی‌بینند». عم اشتیاق شهادت

﴿من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر...﴾ (۲۶)؛ از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا عهد بستند، صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی دیگر در (همین) انتظارند».

آزاد مردان و سبک روحان همواره به لقای خدا می‌اندیشند و برای پرواز روحشان از قفس تن لحظه شماری می‌کنند این حالت در میان کاروان کربلا موج می‌زد و قافله سالاران هنگامی که می‌خواست با کعبه وداع کند، حال و هوای خود را چنین بیان کرد.

«خط الموت علی ولد آدم مخط القلادة علی جید الفتاده و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف» (۲۷)؛ مرگ چون گردن‌بند جوانان، به گردن فرزند آدم افتاده است و چقدر مشتاقم برای پیوستن به گذشتگانم مانند اشتیاق یعقوب به یوسف».

امام حسین علیه السلام:

«الناس عبیدالدنیا والدین
لعق علی السنتهم یحوطونه
مادرت معایشهم فاذا محصوا
بالبلاء قلّ الدیانون، مردم
بندگان دنیایند و دین لقلقه‌ی
زبانشان است. تا هنگامی که
معیشتشان فراهم باشد، گرد
دین می‌چرخند. اما آن گاه که
کوره‌ی آزمایش به میان آید،
دینداران کم هستند.»

در شب عاشورا نیز قاسم ابن الحسن علیه السلام
که به لقای الهی می‌اندیشد، در جواب
سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت
آتش بود درین خانه که کاشانه بسوخت
تنم از واسطه دوری دلبر بگذاخت
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت (۳۰)
۷- وفاداری:

«ان الدین یبایعونک انما یبایعون الله

امام و مقتدایش که پرسید مرگ نزد تو
چگونه است، می‌گوید: «احلی من
العسل» (۲۸). هر یک از دیگر یاران
عاشورایی سید شهیدان نیز برای آغوش
کشیدن عروس شهادت تا صبح بر
سجاده سبز عبودیت دست دعا به
آسمان می‌برند و آنقدر ثابت قدم و آماده
می‌مانند که وقتی زینب کبری علیه السلام از
امام روحیه‌ی یارانش را می‌پرسد،
حضرت در جواب می‌فرماید:

«والله لقد بلوتهم فما وجدت فیهم الا
الاشوس الاقص یتأنون بالمنية
دونی استیناس الطفل الی محالب
امه (۲۹)؛ به خدا قسم آنان را آزموده‌ام و
آنان را جز مطمئن و ثابت قدم نیافتم
انس آنان به مرگ مانند علاقه‌ی کودکان
به سینه‌ی مادر است.»

* * *

یدالله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث
علی نفسه و من او فی بما غاهد علیه الله
فسیؤتیه اجراً عظیماً (۳۱)؛ در حقیقت
کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این
نیست که با خدا بیعت می‌کنند. دست
خدا بالای دستهای آنان است، پس هر



محسوا بالباء قلّ الديانون^(۳۲)؛ مردم
بندگان دنیايند و دين لقلقه‌ی زبانشان
است. تا هنگامي که معيشتشان فراهم
باشد، گرد دين می چرخند. اما آن گاه که
کوره‌ی آزمایش به میان آيد، دينداران
کم هستند.»

اما عاشورايبان وفادار، مصداق واقعی
«ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا»
شدند.

روز نخست چون دم زندي زدیم و عشق
شرط آن بود که جزره این شیوه نسپریم^(۳۳)
و شب عاشورا هنگامه‌ی اظهار وفاداری
بود. در آن حلقه‌ی عاشقانه، امام عليه السلام هر
آنچه را که فردا رخ می داد، با

که پيمان شکنی کند، تنها به زبان خود
پيمان می شکنند و هر که بر آنچه با خدا
عهد بسته است، وفادار بماند، به زودی
خدا پاداشی بزرگ به او می بخشد.»

وفاداری نسبت به پيمانی که انسان با
خدا و امت با امام می بندد، از مهمترين
عوامل پیروزی انسان و جامعه است، چه
بسیارند افرادی که در رفاه و آسایش داد
عهد و وفاسر می دهد، اما هنگامي که در
کوره‌ی آزمایش جای می گیرند پيمان
می شکنند. امام حسين عليه السلام هنگام ورود
به کربلا این حقيقت را چنین بیان کرد:
«الناس عبيد الدنيا والدين لعق علي
السننهم يحوطونه مادرت معاشهم فاذا

نماز ستون فیمنه دین و پرچم قداجویان است و برترین و شیرین ترین لمظه برای بندگان مؤمن است که در کربلا به زیباترین صورت تجسم یافت.

لحظه برای بندگان مؤمن است که در کربلا به زیباترین صورت تجسم یافت. در شب به یادماندنی عاشورا هم خیمه گاه امام حسین علیه السلام صحنه‌ی عبادت و بندگی بود و همه یاران، در هر نقطه‌ای گویا مسجدی بنا کرده و به نماز و راز و نیاز مشغول بودند.

«لهم دوی کدوی النحل بین قائم و راکع و ساجد»^(۲۷)؛ زمزمه آنان چون صدای زنبوران عسل بود، در حال نماز و رکوع و سجده بودند.

امازیباترین صحنه‌ی اقامه‌ی نماز را باید در عاشورا و گرماگرم جهاد و مبارزه دید. آن هنگام که ابوثمامه به امام علیه السلام عرض کرد: دوست دارم نمازی را که وقتش نزدیک است، بخوانم سپس به لقاء پروردگار برسم. امام سر به سوی آسمان برافراشت و فرمود:

«ذکرت الصلاة جعلک الله من المصلین
الذاکربین! نعم هذا اول وقتها. ثم قال:
سلوهم ان یکفوا عنا حتی نصلی»^(۲۸)؛ یاد

زلالی تمام به یارانش فرمود، و پیمان خویش را برداشت و از آنان خواست تا او را تنها بگذارند، اما همه‌ی رادمردان اعلان وفاداری کردند. که امام مدال پرافتخار وفاداری را زینت بخش سینه‌هایشان کرد و فرمود: «اما بعد فانی لا اعلم اصحاباً او فی و لا خیراً من اصحابی و لا اهل بیت ابر و لا اوصل من اهل بیته جزاکم الله عنی خیراً»^(۲۴)؛ اما بعد؛ به درستی من یارانی باو فاتر و بهتر از اصحابم نمی‌شناسم و اهل بیته نیکو و نزدیکتر از اهل بیتم سراغ ندارم. خدا از طرف من جزای خیر به شما دهد!

دامن دولت به صد خون دل افتاد به دست
به فسونی که کند خصم، رها نتوان کرد^(۳۵)

۱- اقامه‌ی نماز:

«الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلاة»^(۳۶)؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز را برپا می‌دارند.

نماز ستون خیمه‌ی دین و پرچم قداجویان است و برترین و شیرین ترین

از نماز کردی، خدا تو را از نمازگزاران ذاکر
 قرار دهد! آری اول وقت نماز است!
 سپس فرمود از دشمن بخواید دست
 نگهدارند تا نماز بخوانیم».



پی نوشت

- ۱- نهج البلاغه، خ ۱۲۵.
- ۲- فرهنگ عاشورا، جواد محدثی.
- ۳- الحیة، ج ۲، ص ۱۷۸.
- ۴- بقره / ۱۸۵.
- ۵- بقره / ۲.
- ۶- بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۵.
- ۷- جائیه / ۲۰.
- ۸- انعام / ۱۹.
- ۹- الحیة، ج ۲، ص ۱۴۷.
- ۱۰- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۷.
- ۱۱- ممتحنه / ۶.
- ۱۲- ممتحنه / ۴.
- ۱۳- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۲.
- ۱۴- بحار الانوار، ص ۳۲۶.
- ۱۵- مقتل مقرر، ص ۱۸۵.
- ۱۶- هود / ۸۸.
- ۱۷- مقتل مقرر، ص ۱۲۹.
- ۱۸- آل عمران / ۱۱۴.
- ۱۹- مقتل مقرر، ص ۱۳۳.
- ۲۰- همان.
- ۲۱- موسوعة کلمات الامام الحسین؛ ص ۳۶۰.
- ۲۲- بقره / ۱۲۵.
- ۲۳- موسوعة کلمات الامام الحسین، ص ۳۲۵.
- ۲۴- حج / ۷۸.
- ۲۵- مقتل مقرر، ص ۱۳۶.
- ۲۶- احزاب / ۲۳.
- ۲۷- موسوعه الامام الحسین، ص ۳۲۸.
- ۲۸- همان، ص ۴۰۲.
- ۲۹- مقتل المقرر، ص ۲۱۹.
- ۳۰- حافظ.
- ۳۱- فتح / ۱۰.
- ۳۲- موسوعه الامام حسین، ص ۳۷۳.
- ۳۳- دیوان حافظ.
- ۳۴- موسوعه الامام الحسین، ص ۳۹۵.
- ۳۵- حافظ.
- ۳۶- سورة حج، آیهی ۴۱.
- ۳۷- مقرر، ص ۲۱۶.
- ۳۸- مقتل مقرر، ص ۲۴۴.